**پايان‌نامه جهت اخذ مدرك دکتری تخصصی Ph.D در رشته گفتاردرمانی**

**عنوان: بررسی و مقایسه‌ی کیفیت گفتار بیماران فارسی زبان مبتلا به پارکینسون و همتایان سالم و ارتباط آن با شدت بیماری و شدت گفتارفلجی**

**نگارنده: پروانه رحیمی فر**

**استادان راهنما: دکتر مجید سلطانی، دکتر شهرام رفیع**

**استادان مشاور: دکتر نگین مرادی، دکتر سعید حسام**

**تاریخ دفاع:** **بهمن ماه 1403**

**چکیده:**

**مقدمه‌‌: کاهش تولید دوپامین در بیماران پارکینسون منجر به ایجاد علائم حرکتی و غیر‌حرکتی می‌شود. روند تغییر و نوع این علائم در دوره‌های مختلف بیماری متفاوت است و با استفاده از آزمایشات و تصویربرداری‌های پزشکی به طور منظم و ماهانه بررسی می‌گردند. انجام منظم چنین آزمایش‌هایی منجر به افزایش بار بر سیستم‌های مراقبت سلامتی و افزایش هزینه و دشواری مراجعه‌ی منظم بیماران به مطب پزشکان می‌گردد. بنابراین لزوم بررسی شیوه‌های ارزیابی ساده و کم‌هزینه که شامل، ارزیابی سیگنال گفتاری با استفاده شاخص کیفیت آکوستیک صدا (AVQI)،برجسته‌ترین قله‌ی طیف صوت(CPP)و قله‌ی طیف صوت تعدیل‌شده (CPPS)محبوبیت پیدا کرده‌اند. باتوجه به افزایش شیوع بیماری‌های نورولوژیک پیشرونده از جمله پارکینسون و اهمیت بررسی کیفیت گفتار به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی معتبر از شروع بیماری و شاخص‌های اولیه از تعیین شدت بیماری، این مطالعه به منظور بررسی مقایسه‌ی کیفیت گفتار بیماران فارسی زبان مبتلا به پارکینسون و همتایان سالم با استفاده از این3 شاخص و ارتباط آنها با شدت بیماری و شدت گفتارفلجی انجام شد.**

**روش کار:پژوهش حاضر‌ از نوع اپیدمیولوژیک توصیفی-تحلیلی و جامعه مورد مطالعه30 فرد مبتلا به پارکینسون و 30 فرد سالم بودندکه براساس شرایط ورود وارد مطالعه شدند.تعیین شدت بیماری با استفاده ازUPDRS-III،ضبط نمونه گفتاری(کشیده گویی واکه و روخوانی متن پدربزرگ) با استفاده از میکروفن تخصصی و تعیین شدت گفتارفلجی براساس مقیاس دافی صورت گرفت.در پایان شاخص های****AVQI,CPP,CPPS با استفاده از نرم افزار Praat استخراج شدند.**

**نتایج: به منظور مقایسه‌ی میانگین AVQI,CPP,CPPS در دو گروه سالم و بیمار از آزمون تی-مستقل استفاده شد. میانگینAVQI در گروه بیماران بیشتر از افراد سالم و میانگین CPP& CPPS در گروه بیماران کمتر از افراد سالم و تفاوت هر سه شاخص در این دو گروه معنادار بود (P-Value≤0/001). AVQI با UPDRS-III و شدت گفتارفلجی ارتباط مثبت معناداری دارند، به طوریکه با افزایش شدت بیماری میزان این شاخص‌ها افزایش می‌یابد(P-Value≤0/001). CPP, CPPS با UPDRS-III و شدت گفتارفلجی ارتباط منفی معناداری دارند. به طوری که با افزایش شدت بیماری میزان این شاخص‌ها کاهش می‌یابد(P-Value≤0/001).**

**نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج مطالعه‌ی حاضر به نظر می‌رسد که این شاخص‌های آکوستیکی فرکانس وابسته که از تکلیف گفتارپیوسته در کنار کشش‌واکه استفاده می‌کنند، می‌توانند تفاوت صوتی میان گروه بیماران پارکینسون و افراد سالم را نشان دهند. علاوه برآن، این شاخص‌ها رابطه‌ی معناداری با شدت بیماری(UPDRS-III) و شدت گفتارفلجی داشتند که این نتایج می‌توانند پیش‌زمینه‌ای جهت کمک به تشخیص زودهنگام و تعیین روند پیشرفت بیماری پارکینسون از طریق غربالگری صوتی افراد در کنار سایر ارزیابی‌های پزشکی و نورولوژیکی باشد.**

**واژگان کلیدی: پارکینسون،UPDRS ،گفتارفلجی هایپوکینتیک، اختلال صوت**

**پايان‌نامه جهت اخذ مدرك کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی**

**عنوان: پايان‌نامه جهت اخذ مدرك کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی**

**نگارنده: امیرحسین کاظم خانی**

**استادان راهنما: دکتر سعیده منجزی، دکتر فرشاد ملهمی**

**استادان مشاور: دکتر سعیده منجزی، دکتر فرشاد ملهمی**

**تاریخ دفاع: بهمن ماه ۱۴۰3**

**چکیده:**

**مقدمه: بی‌ثباتی مزمن مچ پا یکی از شایع‌ترین عوارض ناشی از پیچ‌خوردگی‌های مکرر در ورزشکاران است که باعث کاهش تعادل پویا و عملکرد حرکتی می‌شود. خستگی عضلانی، به‌ویژه در طول تمرینات و مسابقات، می‌تواند این بی‌ثباتی را تشدید کند. کینزیوتیپینگ به‌عنوان یک مداخله برای بهبود عملکرد تعادلی و حرکتی پیشنهاد شده است اما اثربخشی آن بر تعادل پویا و اجرای عملکردی پس از خستگی در ورزشکاران مبتلا به بی ثباتی مزمن مچ پا به‌طور کامل مشخص نشده است. هدف این مطالعه بررسی اثر آنی کینزیوتیپینگ بر تعادل پویا و اجرای عملکردی به‌دنبال خستگی در ورزشکاران حرفه‌ای مبتلا به بی‌ثباتی مزمن مچ پا بود.**

**روش‌ کار: این مطالعه یک کارآزمایی بالینی تصادفی یک سویه کور بود که بر روی ۲۸ فوتبالیست مرد حرفه‌ای مبتلا به بی‌ثباتی مزمن مچ پا انجام شد. شرکت‌کنندگان به‌صورت تصادفی به دو گروه 14 نفره مداخله (کینزیوتیپینگ) و کنترل (بدون تیپ) تقسیم شدند. پروتکل خستگی شامل تمرینات هوازی و پلایومتریک اختصاصی فوتبال بود. تعادل پویا با آزمون تعادلی Y و اجرای عملکردی با آزمون پرش جانبی ارزیابی شد.**

**نتایج: یافته‌ها نشان داد که آزمون تعادلی Y در جهت‌های قدامی (*p*=0/005، *Eta*=0/285)، خلفی-داخلی (*p*=0/018، *Eta*=0/213) و خلفی-خارجی (*p*=0/01، *Eta*=0/249) و همچنین نمره ترکیبی این آزمون (*p*=0/001، *Eta*=0/390) پس از خستگی در گروه کینزیوتیپینگ به‌طور معناداری نسبت به گروه کنترل بهبود داشت. همچنین، مدت زمان آزمون پرش جانبی در گروه کینزیوتیپ کاهش معنی‌داری نسبت به گروه کنترل نشان داد (*p*<0/001، *Eta*=0/702).**

**نتیجه‌گیری: کینزیوتیپینگ می‌تواند به‌عنوان یک مداخله مؤثر در بهبود تعادل پویا و اجرای عملکردی به‌دنبال خستگی در فوتبالیست‌های حرفه‌ای مبتلا به بی‌ثباتی مزمن مچ پا استفاده شود. این یافته‌ها اهمیت استفاده از کینزیوتیپینگ در کاهش اثرات منفی خستگی و بهبود پایداری عملکردی را تأیید می‌کند. مطالعات آینده با بررسی طولانی‌مدت تأثیرات این روش و مقایسه آن با سایر مداخلات درمانی توصیه می‌شود.**

**واژگان کلیدی: پیچ خوردگی مزمن مچ پا، تعادل پویا، اجرای عملکردی، خستگی، کینزیوتیپ**

**پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی**

**عنوان: مقایسه اثرات تکلیف ثانویه شناختی و تمرکز داخلی و خارجی توجه بر متغیرهای فضایی-زمانی راه‌رفتن در افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس**

**نگارنده: محمد مسعود میثاقیان**

**استادان راهنما: دکتر راضیه مفتح،دکتر سعیده منجزی**

**استادان مشاور: دکتر ندا اورکی فر، محمد مهرآور**

**تاریخ دفاع:** **بهمن ماه 1403**

**چکیده:**

**مقدمه:** استراتژي تمركز توجه به‌عنوان يك استراتژي يادگيري حركتي موثر جهت بهبود عملکرد راه رفتن در برخی از مطالعات نشان داده شده است. از سوی دیگر تعدادی از محققین ادعا نمودند که استفاده از تکلیف ثانویه شناختی حین راه‌رفتن نیز می‌تواند منجر به بهبود کنترل خود به خودی راه‌رفتن گردد. هدف از این مطالعه، مقایسه اثرات تکلیف ثانویه شناختی و تمرکز داخلی و خارجی توجه بر متغیرهای فضایی-زمانی راه‌رفتن بین افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس و افراد کنترل سالم بود.

**روش کار:** 20 نفر در گروه افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس و 20 فرد سالم در این مطالعه شرکت نمودند. عملکرد راه رفتن بر روی تردمیل در مدت زمان 3 دقیقه در 4 وضعیت: راه رفتن بدون ارائه دستورالعمل تمرکز توجهی، راه رفتن همراه با تمرکز داخلی توجه، راه رفتن همراه با تمرکز خارجی توجه و راه رفتن همراه با تکلیف ثانویه شناختی مورد ارزیابی قرار گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج مطالعه حاضر حاکی از اثرات متقابل معنادار بین گروه و نوع تکلیف برای دو متغیر تعداد قدم‌ها در دقیقه و میانگین زمان گام ، اثرات معنادار نوع تکلیف بر متغیرهای تغییرپذیری زمان گام *،*میانگین طول گام و میانگین و تغییرپذیری عرض قدم و همچنین اثرات معنادار گروه بر متغیرهای درصد زمان ایستادن روی دو پا تغییرپذیری زمان گام، میانگین و تغییرپذیری طول گام ،میانگین و تغییرپذیری عرض قدم بود. علاوه بر اثر اصلی وضعیت برای متغیر درصد پاسخ‌های صحیح معنادار بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که هر دو تمرکز خارجی توجه و تکلیف ثانویه شناختی باعث اتخاذ الگوی راه رفتن محتاطانه در هر دو گروه افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس و افراد کنترل سالم شدند. هر چند تمرکز خارجی توجه منجر به تغییرات بیشتری در الگوی راه رفتن گردید. علاوه بر این، میزان تغییرات در افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس در مقایسه با افراد کنترل سالم بیشتر بود.

**واژگان کلیدی:** مالتیپل اسکلروزیس، راه رفتن، تمرکز توجه، تکلیف ثانویه شناختی**.**

**پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته** **مديريت توانبخشي**

**عنوان: ارتباط اضطراب ناشی از پاندمی کرونا با مشارکت اجتماعی و رفتار های وسواس گونه، با در نظر گرفتن نقش میانجی سبک مقابله ای در میان متخصصین توانبخشی ایران**

**نگارنده: معصومه مهبودی**

**استادان راهنما: دکتر مریم دلفی**

**استادان مشاور: دکتر رويا قاسم زاده، دکتر سعید قنبری**

**تاریخ دفاع:** **مهر 1403**

**چکیده:**

**مقدمه:** شیوع گسترده بیماری های عفونی مانند کووید-۱۹، پیامد های روانی و اجتماعی زیادی برای جوامع مختلف به دنبال داشته است. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط اضطراب کرونا با وسواس فکری عملی و مشارکت اجتماعی و بررسی نقش میانجی سبک های مقابله ای در رویاروی پاندمی کرونا در متخصصین توانبخشی ایران انجام شده است.

**روش کار:** مطالعه ما یک مطالعه توصیفی تحلیلی و از نوع مقطعی می باشد. نمونه پژوهش 300 نفر از متخصصین توانبخشی ایران بودند، که به شیوه تصادفي در مطالعه شرکت کردند. در این پژوهش از چهار پرسشنامه اضطراب کرونا، وسواس فکری عملی، مشارکت اجتماعی و سبک های مقابله کرونا استفاده شد. براي آزمون فرضیه هاي تحقیق در مدل مفهومي پیشنهادي با رویكرد معادلات ساختاري، دو نرم افزار SPSS22 و STATA14 به کار برده شد.

**نتایج**: با توجه به نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین اضطراب کرونا با وسواس فکری عملی، مشارکت اجتماعی و سبک مقابله ای، و همچنین با قرار دادن متغیر ها در مدل معادلات ساختاری رابطه بین سبک مقابله ای با وسواس و مشارکت معنی دار بودند (p-value <0/5)، اما باتوجه به اینکه اغلب روابط سبک مقابله ای دارای ضریب بتا کمتر از 2/. بودند، روابط ذکر شده از قدرت بالایی برخوردار نبودند، همچنین با وارد کردن متغیر ها در مدل مشاهده شد، ضرایب بتا بین وسواس با اضطراب 7/0 و بین وسواس با مشارکت اجتماعی 3/0 بودند.

**نتیجه گیری:** با بررسی قدرت روابط در مدل بدست آمده، هرچند نقش سبک مقابله ای به عنوان میانجی تقریبا معنی دار بدست آمد ولی قدرت پایین روابط نشان از نقش ضعیف سبک مقابله ای به عنوان میانجی بین اضطراب با مشارکت و وسواس داشت. همچنین مشخص شد، وسواس نقش میانجی قوی تری بین اضطراب کرونا و مشارکت اجتماعی ایفا می کند.

**واژگان کلیدی:** اضطراب کرونا، سبک مقابله ای، وسواس، مشارکت اجتماعی

**پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته گفتار درمانی**

**عنوان: ساخت تکلیف یادگیری کلمه جهت ارزیابی اختلالات شناختی-ارتباطی و بررسی ویژگیهای روانسنجی آن در افراد مبتلا به آلزایمر**

**نگارنده: زهرا بزرگوار**

**استادان راهنما: دکتر بهنوش طحان زاده**

**استادان مشاور: دکتر سعید قنبری، دکتر سعید سعیدی مهر**

**تاریخ دفاع:** **اسفند 1403**

**چکیده:**

**مقدمه**: حافظه رویدادی یکی از مهارت‌های شناختی کلیدی است که در بیماری‌هایی مانند آلزایمر دچار اختلال می‌شود. آزمون‌های یادگیری کلامی به عنوان ابزارهای حساس برای ارزیابی حافظه رویدادی شناخته می‌شوند. این مطالعه با هدف طراحی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی تکلیف یادگیری کلمه در مبتلایان به آلزایمر فارسی زبان انجام شده است.

**روش کار:** در این مطالعه اپیدمیولوژیکال توصیفی تحلیلی، تکلیف یادگیری کلمه در دو بخش نوشتاری و تصویری براساس منابع موجود طراحی شد. سپس روایی محتوایی و صوری به ترتیب براساس نظر صاحب نظران و گروه هدف بررسی شد. در انتها سایر ویژگی های روانسنجی شامل روایی بالینی، پایایی(درونی و بیرونی)، حساسیت و ویژگی و ضریب دشواری برای گروه افراد سالمند سالم و مبتلایان به آلزایمر بررسی گردید. داده ها وارد 24-spss شد و از لحاظ آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** **:** یافته ها نشان داد برای دو بخش نوشتاری و تصویری یادگیری کلمه، روایی محتوایی قابل قبول بود. مفاهیم نمره تاثیر بیش از 5/1 داشتند. روایی بالینی تمایز معنادار بین نمره گروه بیمار و سالم را نشان داد. الفای کرونباخ برای هریک از بخش ها و کل آزمون بیش از 90/0 بود. ICC در محدوده قابل قبول و معنادار بود. نمره برش برای دو زیر آزمون نوشتاری و تصویری به ترتیب 5/13 و 5/14 بود و مفاهیم درصد دشواری مفاهیم بالای 50 درصد داشتند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد تکلیف یادگیری کلمه ساخته شده از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. بنابراین، می تواند برای ارزیابی نقایص حافظه رویدادی مورد استفاده قرار بگیرد.

**واژگان کلیدی:** بیماری آلزایمر، حافظه، رویدادی، سالمندی، اختلالات ارتباطی

**پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی**

**عنوان: مقایسه کنترل تعادل پویا حین انجام تکلیف دوگانه بین افراد ورزشکار با بازسازی رباط صلیبی قدامی با میزان بالا و پایین کینزیوفوبیا**

**نگارنده: شبنم علیمرادی**

**استادان راهنما: دکتر شاهین گوهرپی**

**استادان مشاور: دکتر راضیه مفتح**

**تاریخ دفاع: مهرماه 1403**

**چکیده:**

**مقدمه:** هدف از مطالعه حاضر، مقایسه شاخص­های ارزیابی­کننده تعادل پویا در افراد ورزشکار با بازسازی رباط صلیبی قدامی دارای میزان بالا و پایین کینزیوفوبیا در شرایط تکلیف یگانه و دوگانه می­باشد.

**مواد و روش‌ها:** چهل ورزشکار با تجربه بازسازی رباط صلیبی قدامی در این مطالعه شبه تجربی شرکت کردند. معیار ارزیابی کینزیوفوبیا، پرسشنامه کینزیوفوبیا تامپا بود. ورزشکاران با بازسازی رباط صلیبی قدامی که نمره کمتر از 37 کسب کردند، در گروه میزان پایین کینزیوفوبیا و افراد با نمره بیشتر از 37 در گروه با میزان بالا کینزیوفوبیا قرار گرفتند. جهت ارزیابی تعادل از سیستم تعادل بایودکس استفاده شد. متغیرهای ارزیابی­کننده تعادل در این مطالعه شامل میزان ثبات کلی، ثبات در دو جهت قدامی-خلفی و داخلی-خارجی در دو وضعیت تکلیف یگانه و تکلیف دوگانه و همچنین هزینه تکلیف دوگانه بودند.

**نتایج**: اینتراکشن گروه و دشواری تکلیف برای متغیرثبات قدامی-خلفی از نظر آماری معنادار بود (05/0>P-value). مقایسه بین گروهی نشان داد که براساس میانگین دو متغیر ثبات کلی و ثبات در جهت داخلی-خارجی، گروه با کینزیوفوبیا بیشتر، تعادل ضعیف­تری در مقایسه با گروه کینزیوفوبیا کمتر داشتند (05/0>P-value)، با اضافه شدن عملکرد شناختی، شاخص های تعادلی در هر دو گروه بهبود یافتند.

**نتیجه‌گیری**: نتایج مطالعه حاضر نشان می­دهد که کینزیوفوبیا نقش مهمی در تأثیرگذاری بر شاخص‌های تعادل پویا در ورزشکاران با تجربه بازسازی رباط صلیبی قدامی دارد و اضافه کردن فعالیت شناختی می تواند بر بهبود شاخص های تعادلی در هر دو گروه با میزان بالا و پایین کینزیوفوبیا موثر باشد.

**واژگان کلیدی:** بازسازی رباط صلیبی قدامی، کینزیوفوبیا، کنترل تعادل پویا، تکلیف دوگانه.